

## Economic security from the perspective of the purposes of Sharia

## امنیت اقتصادی از دیدگاه مقاصد شریعت

Mohammad Azad Amini<sup>1\*</sup>محمد آزاد امینی<sup>۱\*</sup>

1- PhD, Lecturer, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Sanandaj University of Islamic Religions, Sanandaj, Iran.

۱- دکترای تخصصی، مدرس گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی سنندج، سنندج، ایران.

Received Date: 2020/05/28

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸

Accepted Date: 2020/09/05

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

## Abstract

## چکیده

**Background and Aim:** Economic security is one of the most important and necessary parts of security in the purposes of Sharia because it has a direct impact on the overall structure of security and provides welfare and financial establishment of human and country, is affected by external economic crises in all areas. Many studies have been done on the importance of economic security and its threatening phenomena, but its dimensions and meaning have not been considered from the perspective of the purposes of Sharia due to its non-emergence during the heyday of Islamic jurisprudence. However, what is the status and nature of economic security from the point of view of the purposes of Sharia? And how can it be used in the direction of situational rulings and jurisprudential interpretations?

**زمینه و هدف:** امنیت اقتصادی از مهم‌ترین بخش‌های امنیتی و ضروری‌ترین آن‌ها در مقاصد شریعت به شمار می‌رود چراکه بازتاب مستقیمی بر ساختار کل امنیت دارد و تأمین‌کننده رفاه و استقرار مالی انسان و کشور، از بحران‌های اقتصادی خارجی تأثیرگذار در تمامی زمینه‌ها است. بررسی و مطالعات بسیاری در میزان اهمیت امنیت اقتصادی و پدیده‌های تهدیدکننده آن به عمل آمده است اما ابعاد و مفهوم آن از دیدگاه مقاصد شریعت به خاطر عدم پیدایش آن در دوران شکوفایی فقه اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است با این وصف جایگاه و چیستی امنیت اقتصادی از دیدگاه مقاصد شریعت به چه صورت است؟ و چگونه می‌توان از آن در جهت احکام وضعی و برداشت‌های فقهی بهره‌مند شد؟

**Materials and Methods:** In this article, which has been prepared by descriptive and analytical method, an attempt has been made to explain this issue to the angles and aspects according to the Shari'a ruling and the situation and conditions of individuals and society.

**مواد و روش‌ها:** در این مقاله -که به روش توصیفی، تحلیلی تهیه شده- سعی بر آن بوده تا ضمن تبیین این مسئله به زوایا و جوانب بنا بر حکم شرعی و وضعیت و شرایط افراد و جامعه مورد بررسی و کاوش قرار گیرد.

**Conclusion:** The resources and criteria created for the realization of economic security must be such that each individual in the economic system achieves his economic needs and justice is formed in the distribution and achievement of the rights of each individual.

**نتیجه‌گیری:** منابع و ضوابط ایجاد شده برای تحقق زمینه‌های امنیت اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که هر فرد در آن سیستم اقتصادی به نیازهای اقتصادی‌اش دست یابد و عدالت در توزیع و دستیابی به حقوق هر فرد شکل گیرد.

The evolution of economic security with the business situation of the people must move in a balanced way and the government, by careful and research, to distinguish between things that are essential, necessary and desirable in disrupting economic security.

تکامل امنیت اقتصادی با وضعیت کسب‌وکار مردم باید به شکلی متوازن در حرکت باشد و دولت با بررسی‌های دقیق و پژوهشی را به نسبت نیازهای ضروری و حاجی و تحسینی را در اختلال به امنیت اقتصادی تفکیک کند.

**Keywords:** purposes. Sharia. Economy. Economic Security.

**کلیدواژه‌ها:** مقاصد، شریعت، اقتصاد، امنیت اقتصادی.

### طرح مسئله

امنیت اقتصادی تارنمای مهم و تازه امنیت در دنیای کنونی است که توجه نظریه پردازان این حوزه را در تمامی سطوح فردی و اجتماعی معطوف خود نموده است، این بخش از امنیت باینکه در تاریخ زندگی اقتصادی بشر همیشه به نوعی وجود داشته، اما در بستر تحولات متعدد جامعه‌های امروزی ابعاد و ویژگی‌های تازه یافته که اهمیت آن را به بالاترین رتبه‌ها از میان سایر ابعاد ارتقا بخشیده است. باینکه امنیت اقتصادی و مباحث مربوط به آن از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه اندیشمندان در رشته‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی اقتصادی و روابط بین‌الملل قرار گرفته است، اما هنوز منزلت آن به خودی خود در تدوین‌های اندیشمندان اسلامی مرتبه‌ای خاص نیافته، چراکه مسلمانان بیشتر در تدوین احکام و ضوابط امنیت سیاسی و نظامی، بنا به شرایط و وضعیت در روابط خارج از گستره حکومتی خود قرار داشته‌اند و از تعمق در این بعد از امنیت و مراتب و جایگاه آن دورمانده‌اند باینکه قرآن در خود اشاره‌های واضحی را به این مهم به‌عنوان یکی از ارکان شکل‌گیری و استقرار یک جامعه یاد می‌کند.

اما بنا به اقتضای تحول در این رکن مهم و جایگاه آن، به طبع تهدیداتی تازه‌ای در این عصر برای این عنصر مهم پدید آمده‌اند که گاهی در اشکال و به شیوه‌های گوناگونی در جامعه ظاهر می‌شوند و اهمیت موضوع در اینجا ظاهر می‌شود که جایگاه و چیستی امنیت اقتصادی از دیدگاه مقاصد شریعت به چه صورت است؟ و چگونه می‌توان از آن در جهت احکام وضعی و برداشت‌های فقهی بهره‌مند شد؟

#### ۱- مفهوم شناسی

##### ۱-۱. تعریف مقاصد شریعت

برای شناخت مقاصد شریعت لزوماً باید دو موضوع را بیان داشت:

اول: مفاهیم و اصطلاحات مقاصد شریعت، مقاصد شارع، مقاصد شرعی همگی یک معنا را در خود دارند. دوم: برای دستیابی به درک دقیق و درست از مقاصد شریعت می‌بایست تعریفی از ساختار این ترکیب اضافی را داشته باشیم.

#### تعریف مقاصد

مقاصد جمع مقصد است و کلمه «المقصد» مصدر میمی مشتق شده از فعل «قصد» است و «الاصل قصدته قصدا و مقصدا» در اصل چیزی که آن را از روی قصد و مقصد مشخصی انجام داده باشی «این

فارس، ۱۹۷۹، م ۹۴/۵). و همچنین به معنای استقامت در راه و مسیر است. (ابن منظور، ۱۹۹۳، م ۹۶/۳) خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾ (النحل: ۹)

کلمه قصد به معنای عدل آمده است، قصد چیزی برخلاف افراط آن است و مابین افراط و تفریط است و مقصد هم می‌تواند به معنای سرمنزل باشد. (ابن منظور، ۱۹۹۳، م ۹۶/۳) و به صورت کلی دو معنای بارز را می‌توان از تعاریف اشاره شده خلاصه نمود:

۱. گام نهادن در راه مستقیم و روشن (وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ) (النحل: ۹)

۲. عدل و میانه‌روی و عدم افراط و تفریط بنا به فرموده خداوند: (وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ) (لقمان: ۱۹)

اما در اصطلاح عبارت است از اهداف و لذت‌هایی که نفس بشری در تلاش و کشاکش به سوی آنهاست آن چنانکه خواسته هر علاقه‌مند و هدف هر قصدی است. (خادمی، ۲۰۰۱، م ۱۶)

#### شریعت

واژه شریعت در اصل به معنای «راه ورود به آب» است، همان‌گونه که بر دین و ملت و راه و روش

و سبک گفته می‌شود. و شریعت و شرع و شرعه به یک معنا هستند (ابن منظور، ۱۹۹۳، م ۱۷۴/۸)

اما در اصطلاح به هر آنچه از طرف پیامبر (ص) از جانب خداوند آمده باشد و آنچه را که به چگونگی عمل متعلق است فرعی و عملی گویند و آنچه را که به چگونگی اعتقاد مربوط است اصلی گویند. (تهانوی،

۱۹۹۶، م ۷۵۹/۲)

#### مقاصد شریعت

علمای گذشته تعریف واضح و دقیقی را از مقاصد شریعت ارائه نموده‌اند، بلکه واژه‌ها و کلماتی را پیرامون برخی از انواع، اقسام، تعبیرات، مترادفات، مثال‌ها، تطبیقات، دلایل و حقایق آن بیان داشته‌اند.

(شاطبی، ۱۹۹۷، م ۶۲/۲)

در حقیقت به مقاصد پنج‌گانه و مصالح ضروری پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که ادله منقول و معقول دال بر حق بودن مقاصد و دلایل آن است، همان‌طور که از مقاصد تعبیرات بسیاری را بیان نموده که به صورت خلاصه در توجه و مراعات مقاصد و به‌کارگیری آن در فهم نصوص و احکام و اجتهاد است. (ریسونی، ۱۹۹۲،

م ۱۷)

اما علمای معاصر تعاریف متعددی از این اصطلاح ترکیبی داشته‌اند که به چندی از بارزترین آن‌ها در این رابطه اشاره می‌نماییم:

ابن عاشور: مقاصد کلی شریعت عبارت است از: معانی و حکمت‌هایی است که شارع در همه یا اکثر احوال قانون‌گذاری خود در نظر گرفته است، چنانکه به نوع خاصی از احکام وابسته نیست و مقاصد ویژه شریعت چگونگی‌هایی است که برای تحقق مقاصد نافع مردم در نظر گرفته شده است. (ابن عاشور، ۲۰۱۱ م، ۵۱)

علال الفاسی: مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و اسراری است که شارع برای هر یک از احکام وضع کرده است. (فاسی، ۱۹۹۱ م، ۳)

احمد ریسونی: مقاصد شریعت اهدافی است که شریعت برای تحقق مصلحت بندگان وضع نموده است. (ریسونی، ۱۹۹۲ م، ۷)

محمد البوبی: مقاصد شریعت معناها و حکمت‌ها و مانند آن است که شارع در قانون‌گذاری به صورت کلی و جزئی برای تحقق مصلحت بندگان لحاظ نموده است. (بوبی، ۱۹۹۸ م، ۳۷)

حال با بررسی تعاریف بیان شده می‌توان گفت که مقاصد شریعت در معانی و حکم بسیار زیاد و متنوعی قرار گرفته که شارع از آن در قانون‌گذاری و احکام شرعی برای تحقق مصالح مخلوقات و خوشبختی و سعادت آن‌ها در دنیا و آخرت به کار گرفته شده است.

#### ۱-۲ اهمیت مقاصد شریعت

دانش مقاصد و اهداف شریعت، با استفاده از نصوص شرعی و عقل، در پی کشف این جایگاه است تا از این رهگذر به فهم بهتر نصوص دست یابد و در برخی نگاه‌ها مستند و منبعی برای جعل احکام جدید شرعی باشد. و توجه به مقاصد شریعت، یکی از راه‌های کارآمدتر کردن فقه و پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر است.

آنچه مسلم است علمای گذشته و معاصر به اهمیت دانش مقاصد شریعت و تأثیر آن در استنباط احکام شرعی و اهمیت آن در رابطه با علوم شرعی و فقه آن اذعان داشته‌اند که می‌توان به جوانب مهم این دانش در موارد ذیل اشاره کرد:

به راستی که درک دانش مقاصد فهم عمیقی را به مجتهد در راستای اهداف شریعت اسلام می بخشد و به فهم او در کشف راهی کلی در احکام شریعت اسلام کمک می نماید، همان طور که خواستگاه های اجتهاد و اصابت درجایی که نصی در رابطه با اتفاقات و مسائل جدید ذکر نشده بنا به تسلط و دانشی که به قواعد مقاصد شریعت دارد به وی نزدیک می کند، همان طور که عز بن عبدالسلام می گوید: «و کسی که مصلحت های شرعی را برای جلب آن ها و منع مفساد دنبال کند در کل چنین اعتقاد و اندیشه یا شناختی در وی ایجاد می شود که نبایست چنین مصلحتی را نادیده گرفت و چنین مفسده ای را هم نبایست نزدیک آن مصالح نمود، هر چند که در آن اجماع یا نص و یا قیاسی ویژه ای نباشد». (عبدالسلام، ۲۱۹۹۶، م ۱/۱۶۰)

دانش مقاصد شریعت برترین راه برای پاسخ به شبهات پیرامون مسائل و احکام و گامی در جهت استحکام و تقویت آن ها است، همان گونه که راه راسخین در علم ربانی است (جندی، ۲۰۰۸، م ۱۰۶) کسانی که خداوند در قرآن کریم آن ها را چنین توصیف نموده: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَبِهَاتٌ» (آل عمران: ۷)

غزالی مقاصد را قبله مجتهدین نامیده و بیان داشته که هر کس که به جنبه ای از آن بگراید به حقیقت رسیده است. (عالم، ۱۹۹۳، م ۱۰۷)

دانش مقاصد شریعت رازی از رازهای بقای شریعت و جاودانگی و معالجه احکام مسائل پیش آمده در اختلاف زمان و مکان است. (ابن قیم، ۱۹۹۱، م ۳/۳)

بررسی و مطالعه مقاصد شریعت تأثیر بزرگی در توجیه احکام معاملات مالی به نسبت افراد و مجموعه های ویژه است و همچنین به صورت مستقیم در هدایت و تنظیم راه ها و مقررات اندیشه اقتصادی اسلام نقش دارد. (عالم، ۱۹۹۳، م ۲۰۶)

در راستای جایگاه و اهمیت مقاصد شریعت جوینی بصیرت را در اجتهاد برای کسی که مقاصد بر او پوشیده مانده به طور مطلق نفی می کند و چنین می گوید: «و کسی که از وقوع مقاصد در اوامر و نواهی بهره کافی را نبرده باشد برای وضع یک حکم شرعی بصیرت ندارد» (جوینی، ۱۹۸۷، م ۲۵۹) بلکه فقه مقاصد نزد مجتهد هنگامی محقق می شود که دانش فهم موازنه بین حدود هر یک از مقاصد آن را داشته باشد، به نحوی که تعارض ظاهری بین دو مقصد شرعی بر یک مسئله را حل نماید. (ابن عاشور، ۲۰۱۱، م ۵)

«بنابراین فقه مقاصدی یا اندیشه مقاصدی همان فقه متمدنی است که تمامی بخش های معرفت را در برمی گیرد و به وسعت تمامی افق های زندگی امتداد یافته به گونه ای که وحی را چون چارچوبی در

معرفت‌شناسی و قاعده‌ای روشمند در برمی‌گیرد و عقل را منسجم و عملکردش را چون وسیله‌ای برای فهم وحی جامعه و واقعیت فعال می‌سازد». (خادمی، ۲۰۰۱، م، ۲۱)

«و باب اجتهاد مقاصدی ضروری و مهم و گشوده خواهد بود تا زمانیکه حرکت جوامع در رشد و تکامل و تغییر و تبدیل در مصالح و چگونگی مشکلات است». (همان، ۳۵)

بنابراین چنین برمی‌آید که دانش مقاصد شریعت و تبیین آن برای همگان مسئله‌ای بسیار مهم و ضروری برای ظهور زیبایی‌های شریعت اسلام و اسرار آن است و یافتن حقیقت، مراد، مفهوم و مسائل دقیق احکام به‌غیر از فهم مقاصد شریعت امکان‌پذیر نیست چراکه هر حکمی از احکام اسلام هدفی را برآورده می‌سازد و کارکردی را انجام می‌دهد و هدفی را برای تحقیق مصلحت و منفعت انسان و دور نمودن مفاسد دربی دارد.

### ۱-۳ اقسام مقاصد شریعت

در تقسیم‌بندی مقاصد تنوع بسیاری بکار رفته است اما مقاصد شریعت بنا به اعتبار مصالحی که برای حفظ یا ترتیب آن‌ها ذکر شده‌اند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

مقاصد ضروری - مقاصد حاجی - مقاصد تحسینی

أ- مقاصد ضروری: مقاصد که برای برپایی مصلحت دین و دنیا و خوشبختی خلق در دنیا و آخرت لازم‌اند. شاطبی در این باره چنین می‌گوید: «هر آنچه در برپایی مصالح دین و دنیا لازم است به‌نحوی که در صورت عدم آن مصالح، دین و دنیا برپا نخواهد بود، بلکه بر فساد و هرج و مرج و از بین رفتن زندگی از یک جنبه و از جنبه دیگر به زوال نجات و خوشی و بازگشت به سوی خسران، آشکار است. (شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۸/۲)

صاحب کتاب المحلی آن را چنین تعریف می‌کند: «هر آنچه را که از نیاز به حد اضطراب برسد». (ابن حزم، ۸۵)

پس حفظ و مراعات این مقاصد از هر حیث واجب است چراکه با انجام هر آنچه آن‌ها را پایدار می‌بخشد و زدودن هر آنچه آن‌ها را تعطیل و محو می‌سازد در واقع در جان‌ها و زندگی ریشه می‌دواند. (جندی، ۲۰۰۸، م، ۱۷۸)

همان گونه که ابن عاشور می گوید: «مقاصد و مصالحی هستند که افراد و مجموعه های امت نیازمند کسب آنها می باشند، به نحوی که با اختلال آنها نظم پایدار نخواهد ماند و چنانچه در آنها رخنه ای به وجود آید وضعیت امت به فساد و متلاشی شدن کشیده خواهد شد». (ابن عاشور، ۲۰۱۱، م ۷۸)

علماء آنها را در حفظ پنج مورد خلاصه نموده اند که عبارت اند از: دین، نفس، عقل، نسل، مال. امام غزالی می گوید: «و قصد و هدف شرع از خلقت، حفظ پنج چیز است: دین، جان، عقل، نسل و مالشان را برای آنها نگه دارد، پس هر آنچه اصول پنج گانه را حفظ و نگه دارد مصلحت است و هر آنچه این اصول را تضعیف یا از بین برد مفسده است و راندن آن مصلحت است». (غزالی، ۱۹۹۳، م ۲۷۸)

برای حفظ و مراقبت از این مقاصد، شارع دو راه اساسی را پیش روی گذاشته که از قرار ذیل است:

(بدوی، ۴۴۱)

اولاً: حفظ از جانب وجود؛ وضع احکام شرعی که وجود این مصالح را ضمانت نماید و ارکان آنها را پایدار سازد و منافع آنها را در صورت وجود منفعت محقق سازد.

ثانیاً: حفظ از جانب عدم وجود؛ وضع احکام شرعی که این مصالح را نگه دارد و آنها را از نابودی یا اخلال در آنها در حالت عدم برای بازداري مفسد از مردم محافظت نماید.

#### ب- مقاصد حاجی

این مقاصد عبارت از اموری هستند که مردم برای تأمین سهل و آسان مسائل زندگی نیازمند آنها می باشند، چراکه سختی را از آنان بازمی دارد، پس چنانچه این امور از میان رفتند نظام زندگی مختل نمی گردد و بقای آنها مورد تهدید واقع نمی گردد، ولیکن بر آنها فشار و سختی وارد می شود؛ بنابراین احکامی که این مصالح حاجی را برای مردم محقق می سازد ظاهر می شوند؛ تا آنها را در حفظ و نگهداری مصلحت های ضروری و انجامشان یاری و مساعدت نماید که در عبادات و عادات و معاملات و جنایات متداول می باشند.

(خادمی، ۱۹۹۸، م ۵۴/۱)

#### ج- مقاصد تحسینی

این مقاصد عبارت اند از اموری که اخلاق و آداب و ارزش های اخلاقی در آن نیاز است و مردم به آنها برای تسهیل مسائل زندگی شان به بهترین شکل نیازمندند و چنانچه نباشند شئون زندگی مختل نمی گردد و مردم در فشار و سختی نمی افتند و برخلاف عرف نخواهند بود و برای مسائل ترفیهی زندگی و

لذت بردن از خوردنی‌های پاک و پوشیدنی‌های گران‌بها و فاخر و سوارشدن بر وسایل نقلیه مرفه است.

(شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۱۱/۲)

#### ۱-۴ احکام متمم و مکمل مصالح

مقتضای حکمت الهی این است که احکام تشریحی اضافی را برای احکامی که در جهت حفظ هر نوع از اقسام مصالح تشریح شده‌اند قرار دهد تا به امنیتی احتیاطی و سپری نگه‌دارنده برای کمال و تمامیت شریعت بنا به خواسته خداوند عزوجل تبدیل شوند.

بنابراین اسلام نماز را برای حفظ دین تشریح نمود و برای نماز احکام تکمیل‌کننده‌ای مانند؛ اذان برای اعلان آن و نماز جمعه در مسجد و خطبه جمعه و دو عید را برای آموزش مسائل دینی به مردم آموخت. و قصاص برای حفظ جان‌ها و برای تکمیل آن مثل و تقابل را در جان و عضو و جروح قرارداد. و در ازدواج حفظ نسب و نسل را تشریح نمود و برای تکمیل هدف و مقصد آن عفت و برپاداشتن حقوق زناشویی و حسن معاشرت و تلاش برای کسب حلال و انجام امور منزل را تشریح فرمود. و زنا را به جهت محافظت از آبرو و نسل تحریم نمود و برای تکمیل آن چشم فرو بستن و اجازه در وقت ورود به خانه و خودآرایی و آرایش آشکار و خلوت با زن بیگانه را تحریم نمود. و شراب را برای حفظ عقل حرام نمود و برای تکمیل آن مقدار اندکی از آن را هم حرام نمود حتی اگر مست نکند، همان‌گونه که شارع از شبهات ما را بازداشته است.

برای تکمیل حاجیات شروط را در عقود و نهی از غرر و جهالت را اعلام داشته چراکه منجر به دشمنی و کینه می‌شوند.

در تحسینیات شارع شروط طهارت و انفاق از کسب پاک و حلال را تبیین نموده است و اینکه مسلمان قربانی و عقیقه را به خوبی ادا کند و از بخل و اسراف نهی نموده است.

شاطبی در هر مکملی - از این حیث که مکمل است - شرط گذاشته که اعتبار آن برای اصل نباید به باطل کردن آن بیانجامد، بنابراین اگر زوال اعتبار آن منجر به از بین رفتن اصل شود، دیگر بی‌ارزش است و سبب آن چنین است که: (شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۱۴/۲-۱۶)

یک: اگر اصلی باطل شود مکمل آن هم باطل می‌گردد؛ زیرا مکمل با اصل معنای مکمل را می‌دهد مانند صفت با موصوف.



دوم: اگر فرض کنیم که مصلحت تکمیلی با از بین رفتن مصلحت اصلی به وجود می‌آید، اولی تر این بود که مصلحت اصلی به وجود آید بنا به تفاوتی که در میان آن‌ها وجود دارد.

سپس شاطبی قواعد پنج‌گانه را قرار داد که در آن توضیح می‌دهد که اگر این مقاصد مورد خطر واقع شوند

مقاصد ضروری چگونه خواهند بود: (شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۱۴/۲-۱۶)

۱- ضروری با آنچه از حاجی و تکمیلی به همراه دارد اصل است.

۲- اختلال در ضروری سبب اختلال در دو بخش دیگر به صورت حتمی و کامل می‌گردد.

۳- اختلال در دو بخش دیگر لزوماً سبب اختلال در ضروری نمی‌گردد.

۴- ممکن است در اختلال کامل تحسینی یا حاجی اختلالی در ضروری به نحوی صورت گیرد.

۵- محافظت از حاجی و تحسینی برای حفظ ضروری لازم است.

و هدف از این گزارش و توضیح آن رسیدن به این نتیجه است:

می‌بایست به این مکملات توجه نمود؛ تا به ضروری کامل و محکم و استواری دست‌یافت.

شاطبی چنین بیان می‌دارد که: «مثلاً نماز، اگر طهارت قبل از آن، قرار گرفت، احساس به آماده شدن

برای کار بزرگی شکل می‌گیرد، پس وقتی که به استقبال قبله می‌رود احساس به حضور کسی می‌شود که

متوجه آن می‌شود و آنگاه که حضور نیت و قصد بندگی نمود خضوع و سکون را به ثمر خواهد رساند، سپس

با خواندن قرآن به این ترتیب وارد می‌شود؛ زیرا تمامی فرموده‌های خداوند متعال متوجه اوست و آنگاه که

تکبیر و تسبیح و تشهد را گفت، آنجاست که آگاه‌سازی قلب و بیداری آن از هر چه از مناجات خداوند و

ایستادن بین دوستان اوست و به این ترتیب تا آخر نماز، پس چنانچه قبل از آن نافله‌ای را بخواند به مثابه

تدریجی برای نمازگزار و طلب حضور اوست و پس از آن هم دوباره نافله‌ای بخواند حضور را در فریضه

به خوبی شکل داده است.» (شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۱۴/۲-۱۷)

تا به اینجا می‌رسد که می‌گوید: «بنابراین می‌بینید که این مکمل‌ها بمانند دایره‌ای پیرامون این سپر

ضروری در جهت خدمت به آن و تقویتش می‌باشند، بنابراین اگر فاقد آن یا بیشتر آن گردید، موجب اختلال

در آن می‌گردد و به این ترتیب دیگر ضرورات با مکمل‌های آن برای هر آنکه آن‌ها را معتبر شمارد در جریان

می‌باشند.» (شاطبی، ۱۹۹۷، م، ۱۴/۲-۱۸)

پس آنچه بر این تقسیم‌بندی مترتب می‌گردد:

اهمیت این تقسیم‌بندی را در ترجیح مسائل بین مصلحت‌ها را بیان می‌دارد که به ترتیب ذیل خواهد بود:

- ۱- ضروری.
- ۲- مکمل ضروری.
- ۳- حاجی.
- ۴- مکمل حاجی.
- ۵- تحسینی.
- ۶- مکمل تحسینی.

پس چنانچه تعارضی بین دو مصلحت به وجود آمد، از این حالت‌های شش‌گانه حالت‌هایی به وجود می‌آیند که بعضی از آن‌ها را ذکر خواهیم نمود: (شاطبی، ۱۹۹۷ م، ۲/۱۴-۱۹)

۱- هنگامی که دو مصلحت در مرتبه ضروری باشند، یا یکی از آن‌ها مربوط به حفظ دین و دیگری مربوط به حفظ جان و پایین‌تر از آن باشد، در این حالت اولی بر دومی ترجیح داده می‌شود. مثال آن: کشتن اسیران کفار زره‌پوشی که برای یورش به سرزمین‌های اسلامی توسط کفار گماشته شده‌اند، پس آن‌ها را می‌کشند و کسی از آن‌ها که بر دیشش باقی مانده مورد فتنه قرار می‌دهند؛ زیرا در قتل آن‌ها هیمنه و بزرگی کفار می‌شکند و محافظت بر دین از آن حاصل می‌گردد و این مصلحت بر مصلحت محافظت بر جان برتری می‌یابد.

۲- هنگامی که مصلحت اولی در مرتبه ضروری و دومی در مرتبه مکمل آن باشد بنابراین اولی بر دومی ترجیح داده می‌شود.

مثال: جهاد پشت سر امام فاسق؛ آن‌گونه که در سنن ابو داود روایت شده که: (الجهاد واجب علیکم مع کل امیر، برأ کان أو فاجراً) (جهاد با هر امیری بر شما واجب است چه فاجر باشد و چه نیکوکار) (ابو داود، ۲۵۳۳، ۱۶۸)، زیرا جهاد برای حفظ دین ضروری است و وجود عدالت در امامی که پشت سرش می‌جنگیم مکمل این ضرورت است، بنابراین آنچه را که در مرتبه ضروری است بر مکملش برتری می‌یابد، پس جایز است که پشت سر امام فاسق هم جهاد کنیم.

۳- هنگامی که اولی در مرتبه ضروری و دومی در مرتبه حاجی باشد، بنابراین اولی بر دومی برتری می‌یابد. مثال: کسی که نزدیک است هلاک شود و بمیرد و چیزی جز حیوان مردار جلویش وجود ندارد، بنابراین نخوردن حیوان مرده ضرورت را مختل می‌کند و سبب هلاک می‌گردد و اگر حیوان مرده را بخورد به این

حجت که ضرورت را بر حساب حاجی که خوردن حلال است محافظت نموده، باید به اندازه‌ای که زندگی‌اش را نجات می‌دهد از آن حیوان مردار بخورد.

۴- هنگامی که اولی حاجی و دومی تحسینی باشد، بنابراین اولی بر دومی برتر خواهد بود. مثال: نماز پشت سر امام فاسق؛ همان‌طور که در حدیث آمده: ((وَالصَّلَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَيْكُمْ خَلْفَ كُلِّ مُسْلِمٍ، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، وَإِنْ عَمِلَ الْكِبَائِرُ)) (أبو داود، ۲۵۳۳، ۱۶۸).

پس نماز جماعت از نمادهای اسلام است و در مرتبه حاجی است و ادای آن پشت سر امام صالح از تحسینیات است، پس چنانچه جای صالح را فاسق گرفت، نماز باید پشت سرش برای برپایی این نماد در راستای برتری حاجی بر تحسینی خوانده شود.

بعضی از قواعد فقهی مربوط به برتری مصالح:

و علماء در این رابطه به وضع برخی قواعد پرداخته‌اند که در صورت برخورد دو مصلحت می‌توان از آن‌ها بهره جست.

- ۱- الضرورات تبيح المحظورات. ۲- يتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام. ۳- يختار أهون الشرين. ۴- يرتكب أخف الضررين لاتقاء أشدهما. ۵- المشقة تجلب التيسير. ۶- الحاجة تنزل منزلة الضرورة. ۷- الحرج مرفوع شرعاً. ۸- الضرر يزال شرعاً. ۹- الضرر لا يزال بالضرر. ۱۰- دفع المضار مقدم على جلب المنافع. ۱۱- درء المفسد أولى من جلب المصالح.
- ۲- امنیت اقتصادی به‌عنوان مقصد شرعی

در ابتدا برای شناخت اصطلاح امنیت اقتصادی می‌بایست به تعریف و جایگاه آن پرداخته و سپس نظری به آنچه متون اسلامی در این رابطه بیان داشته‌اند بیفکنیم تا بتوان مقصد بودن و جایگاه مقاصد آن را در این رابطه تبیین نمود.

## ۲-۱ تعریف امنیت اقتصادی

از نظر لغوی امنیت اقتصادی مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. بنابراین نخست تعریفی از امنیت

و سپس به تعریفی از اقتصاد برای ارائه تعریف امنیت اقتصادی خواهیم پرداخت.

در متون اسلامی و کتاب‌های مختلف تعاریف متفاوتی از واژه امنیت ارائه شده است.

امنیت ضد ترس است و اصل آن طمأنینه و آرامش و از میان رفتن ترس است و واژه‌های الأمان و الآمانه و الآمان مصدرهای فعل «أمن» هستند، در قرآن کریم در ۷۰ موضع به این واژه اشاره کرده که همگی معنای آرامش و عدم ترس و اعتماد را می‌رساند (زمخشری، ۱۹۸۳، م، ۲۸۸)

خداوند متعال می‌فرماید: (وَأَمَّنَّهُم مِّنْ خَوْفٍ) در اینجا واژه به معنای آرامش بخشی اهل مکه از ترس و هول اصحاب فیل که می‌خواستند کعبه را ویران کنند و درجایی دیگر می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) یا (فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ) که در اینجا این واژه به معنای آرامش است زیرا در عذاب و خشم او بخاطر کفر قرار نمی‌گیرند. (زمخشری، ۱۹۸۳، م، ۳۲-۳۹)

واژه الأمانه؛ بر ضد خیانت است و الايمان؛ ضد کفر و الايمان؛ به معنای تصدیق است و در مقابل تکذیب و دروغ قرار می‌گیرد. و المأمن: همان جای امن است.

خداوند متعال می‌فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا) (البقره: ۱۲۵) به این معنا که دارای امنیت است و همچنین می‌فرماید: (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ)؛ یعنی مکه جای امنی است.

در اصطلاح: عبارت است از عدم پیش‌بینی بدی در زمان آینده است (الجرجانی، ۱۹۸۳، م، ۳۷)، چنین برمی‌آید که فقها غیر از این معنای لغوی معنای دیگری برای این واژه ذکر ننموده‌اند.

در حدیثی که از فضالة بن عبید روایت شده که پیامبر (ص) در توصیف مؤمن می‌فرماید: (أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ! مِنْ أَمْنِهِ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ) «شما را از مؤمن خبردار کنم! کسی که مردم او را بر اموال و جان‌هایشان امین بدانند». (ابن ماجه، ۱۰۵، ۳۱۹۳)

امنیت دارای یک وضعیت نسبی است و بیش از آن‌که مقوله‌ی قابل تعریفی باشد، پدیده‌ای ادراکی و حسی است و هرگز فرد در معیار خرد و کشور در مقیاس کلان نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت صد در صد باشد. (قناعی، ۱۳۸۹، ۶۲)

در یک جمع‌بندی می‌توان واژه امنیت را در رها بودن از خطر یا ترس معنا نمود و هرگاه فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای به شکل واقعی از خطر موردنظر رها بوده یا در برابر آن حفاظت شود گفته می‌شود آن فرد، سازمان، دولت، جامعه از امنیت برخوردار است.

## مفهوم اقتصاد

واژه اقتصاد از قصد و استقامت آمده که ضد افراط است، گفته می‌شود «قصد فی الأمر»؛ یعنی در کاری میانه‌روی کرد نه افراط و نه تفریط. و «قصد فی الحکم» یعنی عدالت در حکم و عدم تمایل به هیچ‌یک از اطراف و نواحی آن. (فیروزآبادی، ۲۰۰۵، م، ۳۲۷/۱)

قصد فی النفقه؛ یعنی عدم اسراف و بخل در آن و قصد فی مشیک؛ متعادل راه رفتن (الوسیط، ۲۰۰۴، ۲/۷۳۸)

اما در تعریف اصطلاحی چون این واژه در متون اسلامی با تسمیه اقتصاد بکار نرفته، بلکه از واژه مال و هر آنچه متعلق به آن است در متون اسلامی معادل اقتصاد بکار رفته است، (القضاء، ۱۹۹۶، م، ۱۰) در نتیجه برای تعریف این واژه به تعاریف اصطلاحی معاصر اشاره می‌کنیم که در فرهنگ و بستر تعریف آن چنین ذکر شده که اقتصاد به معنای علم تدبیر و یا مدیریت اقتصادی منزل و نیز مدیریت درآمدها و هزینه‌ی خانواده و مؤسسه‌ی بازرگانی خصوصی یا دولتی و علم تولید، توزیع و مصرف تعریف شده است. (چینی، ۱۸، ۱۳۸۰) بر اساس تعاریف متعددی که از امنیت اقتصادی شده می‌توان به صورت نسبتاً جامع امنیت اقتصادی را وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی، هم‌چنین افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید و توزیع و مصرف ثروت جامعه بپردازند» (برومند، ۱۳۸۷، ۱۹)

به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته باشد و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیطی رقابتی و سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند. (برومند، ۱۳۸۷، ۲۵)

بنابراین بر اساس تعاریف بیان شده می‌توان گفت که امنیت اقتصادی عبارت است از اعتماد مصرف‌کننده در امکان تولید کالا و خدمات و توزیع آن به صورت عادلانه و بدون مشکل در تمامی اوقات و شرایط است.

## ۲-۲ اهمیت امنیت اقتصادی

در خلال این پژوهش چنین به نظر می‌رسد که بیشتر اقتصاددانان نسبت به اصطلاح «امنیت اقتصادی» به اعتبار اینکه یکی از ثمرات اقتصاد موفق و از ویژگی‌های رفاه اقتصادی است تأمل نموده‌اند، بنابراین فقط به تعریف صرف، یا مشخصی که چارچوب آن را بیان کند و ویژگی‌های آن را در احقاق زندگی آسوده و آبرومند و حفظ استقرار شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی برای جامعه، اکتفا ننموده‌اند، بلکه «امنیت

اقتصادی» چنانچه مختل شود همراه با آن موازین زندگی مختل می‌گردد و هرج و مرج و ناهنجاری در تمامی زمینه‌های زندگی منتشر می‌گردد.

در حقیقت مصرف‌کننده به شدت نیازمند امنیت اقتصادی به اعتبار اینکه ضعیف‌ترین بخش در ساختار اقتصادی است، مثلاً در زمینه روابط نامتساوی که غالباً به تولیدکننده یا تاجر یا واسطه متمایل می‌شود، مصرف‌کننده در دنیای مصرف شخصی خود ناتوان قرار گرفته و به آسانی در پناه ناتوانی چارچوب‌های آگاهانه مصرف به دام می‌افتد و به محض اینکه در نیازهایش از تولیدات و خدمات قناعت کند، بسیاری از مشکلات گریبان گیر او می‌شوند چراکه معلوماتی ناقصی از کیفیت و قیمت را در دست دارد، همان‌گونه که از سرپیچی‌های بسیاری که کارگزاران برای سودآوری بیشتر بدون توجه به مصالح مصرف‌کنندگان اعمال می‌کنند غافل می‌مانند که منجر به فریب و سوءاستفاده و کلاهبرداری از آنان می‌شود.

اما شریعت اسلام مقاصد اصلی در رابطه با تولید و مصرف و توزیع اموال را بیان فرموده و در مقابل مقاصد را هم نسبت به مبادلات آن میان مردم بیان داشته است که می‌توان آن‌ها را در واجبات و محرمات و مباحات خلاصه کرد که همگی آن‌ها تأمین‌کننده مقصد امنیت اقتصادی در یک جامعه می‌باشند. مثلاً در واجبات وفای به عقد و سخت‌گیری در این رابطه را برای استقرار معاملات واجب گردانیده است و طولانی‌ترین آیه در قرآن را به نوشتن دین که به آیه مداینه شناخته شده است اختصاص داده است. اما در زمینه تحریم و اباحه شریعت اسلام تجارت را مباح و بیع را حلال دانسته و در مقابل ربا را حرام اعلام نموده است تا جایی که قرآن از ربا به شدت نهی فرموده و رباخواران را مورد ملامت و جنگ با خدا و رسولش توصیف نموده است و تنها گناهی است که این چنین خداوند متعال درباره آن چنین موضع تند و سخت‌گیرانه‌ای را بیان می‌کند و رسول اسلام بر رباخوار و کاتب و شاهد و موکل آن لعنت فرمود به این معنا که هر آنچه را که سبب شکل‌گیری چنین پدیده‌ای می‌شود را حرام و مورد لعنت قرار داده است، همان‌طور که احتکار را تحریم نمود خواه فردی باشد یا گروهی زیرا بر ضد تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تمام می‌شود و همگی این‌ها و بسیاری از احکام دیگر دلیل محکی در اثبات اهتمام اسلام به امنیت اقتصادی است هرچند که ممکن این اصطلاح به خودی خود در شریعت اسلامی ذکر نشده باشد اما شاخص‌های مهم آن‌که در علم اقتصاد امروزی به آن اشاره شد همگی آن‌ها شریعت اسلام در رابطه تأمین آن‌ها قواعد و ضوابطی را به نسبت تعریفی که جامعه آن دوران از معاملات داشته‌اند بیان فرموده است، اما مسائل تازه و

گسترده در رابطه با این موضوع را می‌توان با استناد به قواعد دیگر در رابطه با تأمین مصلحت عمومی جامعه یا احکام حکومتی یا تصرف الحاکم منوط بالحکمه اقرار نمود و از سویی دیگر شریعت اسلامی در منع و جلوگیری از عوامل اختلال‌گر در این حوزه به تبیین احکامی در رابطه با این جنبه شده که از جمله آن حد سرقت و خیانت‌درامانت و ... در باب مجازات اسلامی گشته است.

بنابراین از تمامی مصداق‌های موجود در قرآن و سنت پیرامون اهمیت و مفهوم امنیت اقتصادی چنین می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای فرد و مجموعه در یک جامعه است.

## ۲-۳ مفهوم شناسی امنیت اقتصادی در فقه

چنین به نظر می‌رسد که اصطلاح امنیت اقتصادی نزد فقها بیان‌نشده است، اما مضمون آن بانام‌های فقهی دیگر مانند کفاف و کفایه بیان‌شده است، بنابراین مراد از آن در نزد اهل لغت و اصطلاح فقها چیست و باهم چه تفاوتی دارند؟

الکفا؛ از لحاظ لغوی «مشتق از کف است مانند کف دست و کف لته؛ آنچه بر پایه‌های سوراخ ماندنی جداشده است، و کفه السحاب و کفاهه؛ نواحی آن و کفه المیزان؛ آن است که درهم‌ها بر روی آن قرار می‌گیرند و الکفه؛ آنچه با آن آهو را شکار کنند و استکف السائل؛ دستش را دراز کرد... (فراهیدی، ۲۰۰۳، م، ۲۸۲/۵ و ۲۸۳) و تکفف الرجل الناس واستکفهم؛ دستش را از روی نیاز به‌سوی آن‌ها دراز کرد... و قوته کفاف؛ نیازش بدون کم‌وزیاد. (فیومی، ۱۹۸۷، م، ۲۰۴)

ولی الکفایه؛ «هر آنچه سوراخ را ببندد و رسیدن به مقصود هر کاری، والکفیه من القوت؛ هر آنچه کفایت کند (اصفهان‌ی، ۱۹۹۱، م، ۴۵۴) که مشتق از: «کفی یکفی کفایه؛ هنگامی که به کاری می‌پردازد و گفته می‌شود: استکفیته أمر؛ پس برایش کافی است و گفته می‌شود: کفاک هذا الأمر؛ برایت کافی است و گفته شده: کفاه مؤنثه؛ به اندازه لازم کافی‌اش است و الکفیه؛ به قوت گفته می‌شود. (فیروزآبادی، ۲۰۰۵، م، ۱۳۵۱/۴)

با ارائه این مختصر روشن می‌شود که کفاف و کفایه نزد اهل لغت به معنای بسیار نزدیکی است که کفاف؛ میزان نیاز انسان بدون کم‌وزیاد است اما کفایه؛ هر آنچه برای انسان کافی و او را از دست‌درازی به‌سوی مردم بی‌نیاز می‌کند.

اما کفاف در اصطلاح فقهاء و پس از بررسی کتاب‌های فقهی و دایره المعارف های فقهی می‌توان گفت که معنای لغوی آن با معنای فقهی آن تفاوتی ندارد و هر دوی آنها یک تعریف را در بر می‌گیرند که: آنچه به اندازه لازم و نه بیشتر از آن که فرد را از تکدی بازدارد». (جرجانی، ۱۹۸۳، م، ۱۵۵)

همان تعریف را مؤلف «فرهنگ اصطلاحات مالی و اقتصادی در زبان فقهاء» بیان نموده که: الکفاف: میزان نیاز انسان بدون کم‌وزیاد است (حماد، ۲۰۰۸، م، ۳۸۱)

ابن الاثیر می‌گوید: الکفاف هر آنچه بیشتر از مقدار لازم نباشد و به اندازه نیاز به آن است، (ابن الاثیر، ۱۹۷۹، م، ۸۰۵-۸۰۶-) همان‌طور که پیامبر می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَيْدًا جَعَلَ رِزْقَهُ كِفَافًا) (ترمذی، ۲۳۴۸ و ۲۳۴۹، ۴/۵۷۵ و ۵۷۶).

شوکانی در شرح حدیث فوق می‌گوید: به اندازه لازم و نه بیشتر از آن که تجاوز کند و نه کمتر که او را در سختی و اذیت قرار دهد، چراکه دارایی زیاد به سرکشی و کفران و فقر هم به ذلت و بدبختی می‌انجامد. (شوکانی، ۱۹۹۳، م، ۲/۲۰۰)

ابن حجر «الکفاف» را: «کفایت بدون کم‌وزیاد» تعریف می‌کند (ابن حجر، ۲۰۰۱، م، ۱۱/۲۷۵) «کفایه» نزد فقهاء احناف: «به «نیاز اصلی»؛ یعنی هر چیزی که هلاک و نابودی را از انسان دور می‌سازد مانند نفقه، مسکن، لباس، وسایل خانه، وسایل کار و کتاب‌های علمی برای اهل علم و غیره که ضرورتی را از ضروریات و نیازهای اساسی را پر می‌کند» تعبیر می‌شود.

و فقهاء میزان کفاف و کفایه را در مباحث زکات به ویژه در ویژگی‌هایی که برای صرف زکات و مقدار آن وجود دارد، یعنی هر آنچه مربوط به میزان غنا و فقر باشد، هر چند که در میزان آن اختلاف دارند. (کاسانی، ۲۰۰۳، م، ۱۱/۲) و شافعی‌ها بر این نظرند که آنچه مانع صدقه شود، (شافعی، ۱۹۹۰، م، ۲/۳۰) اما ابوحنیفه غنی را میزان بر می‌شمارد (سرخسی، ۱۹۹۳، م، ۲/۱۸۹) و مالک می‌گوید: «میزانی برای آن وجود ندارد و میزان آن به اجتهاد باز می‌گردد» (أمیرکبیر، ۹۹).

و علت اختلاف آنها این است که آیا مانع و میزان غنی است و یا معنای شرعی یا لغوی مد نظر است؟ و کسانی که قایل به معنای شرعی هستند می‌گویند: نصاب همان غنی است قائلین به معنای لغوی آن را کمترین چیزی می‌دانند که بر آن اطلاق می‌شود.



ولی فرق بین میزان کفاف و کفایه این است که کفاف بر سد ضروریات مهم از غذا و مسکن و پوشش ... اما میزان الکفایه عبارت است از: برطرف نمودن نیازهای اصلی هر شخصی از خوراک و پوشاک و مسکن و غیره است و هر آنچه برای او و کسانی که تحت پوشش مخارج او بدون اسراف و بخل شایسته باشد. و بنابراین میزان کفایه از میزان کفاف فراتر است و به هر آنچه برای انسان و شایسته حال او از ازدواج، آموزش، درمان، پرداخت بدهی و لباس و جواهرات و... است، اما میزان کفاف عبارت است از دستیابی انسان به ضروریات زندگی در پایین ترین سطح آن از خوراک و مسکن بوده که بیانگر سطحی بالاتر از فقر و بینوایی در اندیشه اقتصاد اسلامی است (فنجری، ۱۹۸۴، م، ۳۳۷)

## ۲-۴ مفهوم امنیت اقتصادی در قرآن

و در قرآن کریم کلمه «الأمن» به معنای امنیت و مشتقات آن به همان معناهای لغوی قبلی ذکر شده در ۷۰ نقطه قرآن بیان شده است که همگی معنای آن‌ها پیرامون طمأنیه و آرامش، واطمینان و عدم ترس است. (عبدالباقی، ۸۱-۹۳)

اما واژه اقتصاد در قرآن ذکر نشده است ولی ریشه آن که از فعل ثلاثی (قصد) آمده بعضی از مشتقات آن در شش موضع با معناهای مختلفی ذکر شده است، پس از باب اولی اصطلاح امنیت اقتصادی در قرآن هم بیان نشده است، بجز اینکه قرآن کریم مضمون این اصطلاح و محتوای آن را هنگامی بیان داشته که دستیابی فرد به آن را نیازهای اساسی و حتی عدم دستیابی فرد به آن (چه با امتحان و ابتلا و چه با عقوبت و عذاب) نوعی اختلال و عدم توازن برشمرده است.

مفهوم «امنیت اقتصادی» در قرآن کریم نتیجه ای را از سیمای آیاتی که بر آن دلالت دارد بیان میدارد، مثلا خداوند عزوجل بین امنیت و برآوردن نیازهای ضروری انسان و آنچه مانند خوراک و مسکن و... سبب استقرار او می‌شود تفاوت قائل است، با این اعتبار که این نیازهای اساسی برای زندگی است و جز با دستیابی به امنیت، ضمانت دریافت این نیازها و استقرار به صورت مداوم محقق نخواهند شد.

قرآن کریم بشریت را متوجه اهمیت ضرورت های ویژه زندگی انسان چون خوراک از طریق ربط آن به امنیت و استقرار سیاسی می نماید و در حقیقت این معنا از خلال سوره قریش آشکار می‌شود، به گونه‌ای که خداوند عزوجل بر اهل مکه هر آنچه را از نعمت امنیت اقتصادی و غذایی ((الَّذِي أَطْمَأْنَنَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَنَعْمَتِ اسْتِقْرَارٍ وَاطْمِينَانٍ)) (وَأَمَّنَّهُمْ مِّنْ خَوْفٍ--داده، واز آن نعمت بزرگ که شایسته شکر و عبادت است بیان می‌دارد و مفهوم امنیت اقتصادی و اجتماعی در سوره قریش پس از وقوع آن در سوره فیل نمایان

می‌شود که هر آنچه را ما با اصحاب فیل کردیم بخاطر قریش و امنیت آن‌ها و پایداری منافع و برقراری نظم دوباره به سفرهایشان در زمستان به یمن و در تابستان به شان برای کسب و تجارت است. (سعدی، ۲۰۰۱، م ۸۹۴)

و قرآن کریم نعمت استقرار و امنیت را در برآوردن منابع و تولیداتی بر می‌شمارد که جانها را حفظ می‌کند و نیازهای اساسی آن‌ها را مانند خوراک و پوشاک و مسکن پاسخگو است همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید (إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَلَا تَعْرِىٰ وَأَنَّكَ لَآتَظْمُؤًا فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ). (طه، ۱۱۵ و ۱۱۶)

پس وقتی که گرسنگی و عریانی از وی نفی شد، سیری و پوشش را استوار می‌بخشد، همان‌طور که نفی تشنگی لازمه دستیابی به رفع آن است و وجود مسکن است که وی را از تابش آفتاب بر آن‌ها ننگه می‌دارد و هر آنچه را که انسان در دنیا برای استقرار و آرامش نیاز دارد. (سعدی، ۲۰۰۱، م ۴۸۷)

بنابراین خوراک و پوشاک و مسکن و عدم تشنگی محورهایی است که کفاف انسان پیرامون آن‌ها می‌چرخد و خداوند مجموع تمامی آن‌ها را در بهشت یادآور می‌شود، زیرا کافی می‌باشند و نیازی به هیچ کفایت یا کسب دیگری نیست چنانچه اهل دنیا به آن نیازمند هستند (زمخشری، ۱۹۸۳، م ۸۱۳)

از ویژگی‌های اقتصاد اسلامی آن است که در اسلام هم مال و هم سرمایه حرمت دارند و هم سرمایه‌گذار و هم شخصی که کار اقتصادی انجام می‌دهد، همه مورد احترام هستند.

از مهمترین اصولی که اسلام در قضایای اقتصادی به صورتی خاص درباره آن تاکید کرده، اصل حرمت و احترام مال (امنیت اقتصادی) است، باید توجه داشت، علت حرمت و احترام مال آن است که خداوند مال را وسیله قوام زندگی مادی و معنوی انسان و سبب رسیدن به کمال می‌داند و در آیه ۲۹ سوره نساء در این رابطه می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است». همچنین خدای متعال در آیه ۵ سوره نساء فرموده است: (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا)؛ و اموال خود را که خداوند آن‌را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را

پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید»، و در روایت‌های متعدد این تعبیر آمده که حرمت مال انسان، هم‌چون حرمت خون اوست.

بنابراین اگر امنیت اقتصادی در اصطلاح امروزی به معنای برآوردن نیازهای مادی انسان جهت اشباع آن‌ها و در پاسخ به علاقه مندی هایش باشد، براستی که مفهوم آن در تصور قرآنی فراتر رفته و مسئله را فقط در خوردن و نوشیدن یا تملک محصور نمی‌دارد، بلکه استقرار و آرامش و سکونت مردم در کنار هم و سلامت روابط میان آن‌ها و تأمین نیازهایشان به صورت سهل و آسان را مدنظر دارد و چنین چیزی تا زمانیکه که نفس انسان در کفر و معصیت باشد ممکن نخواهد بود.

و خداوند متعال در توصیف قریه آمنه آنجا را به سه ویژگی مهم که باید در هر جامعه باشند توصیف می‌کند که عبارت‌اند از: امنیت از ترس و استقرار در زمین و آسودگی خیال و فراوانی مایحتاج و دستیابی آسان به آن‌ها می‌باشند و خداوند امنیت را بر طمأنینه مقدم شمرده چون بدون آن آرامشی نخواهد بود، همان‌گونه که ترس سبب ناراحتی و نگرانی می‌گردد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، م، ۳۰۶/۱۴)

پس با بررسی آیاتی که پیرامون امنیت و رزق که در کنارهم بیان شده و از هم جداشدنی نیستند، متوجه می‌شویم که امنیت مقدم بر رزق است زیرا وسیله‌ای برای دستیابی و تداوم و استمرار آن است.

و امنیت اقتصادی در نگرش قرآنی مفهومی جامع تر را بیان می‌دارد که بخش‌های دیگر امنیت چون امنیت غذایی، امنیت صنعتی، امنیت اجتماعی، امنیت سلامت را در برمی‌گیرد که به صورت خلاصه می‌توان گفت؛ امنیت اقتصادی از منظر قرآن به «کلیه اعمال و تدابیری که انسان را به دستیابی نیازهای اساسی از خوراک و پوشاک و درمان و... در تمامی شرایط و اوقات، به ویژه هنگام حوادث طبیعی یا بحران‌های اقتصادی، با ضمانت سطح پایینی از زندگی ممکن می‌سازد».

## ۲-۵ مفهوم امنیت اقتصادی در سنت

اما سنت نبوی از بیان امنیت اقتصادی در زندگی فرد یا جمع غافل نمانده چراکه پیامبر (ص) آن را یکی از سه رکن زندگی مستقر می‌داند ایشان می‌فرماید: - أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِدُنْيَا الْمُؤْمِنِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ طَعَامُ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا (بخاری، ۱۹۹۷، م، ۱/۱۲۷) پیامبر امنیت اقتصادی را در (عِنْدَهُ طَعَامُ يَوْمِهِ) یکی از ستون‌های زندگی پایدار و امن بیان می‌دارد که زندگی انسان بدون آن‌ها ممکن نیست، و هیچ ملتی استوار و پایدار و مقاوم نمی‌ماند؛ مگر اینکه امنیت اقتصادی در آن جامعه با تأمین منابع اقتصادی محقق شود تا نیازهای خوراکی و اساسی و ضروری

آن جامعه محقق گردد و چنین چیزی جز در سایه نظام عادلانه که این منابع را تأمین و حفظ و بر مردم به شکل عادلانه تقسیم کند نخواهد بود.

پیامبر اسلام پایه های نظری را در جهت تحقق امنیت اقتصادی از خلال تشویق یارانش به فربه ساختن درآمد مالی شان با انجام فعالیت های اقتصادی مختلفی چون زراعت و کشاورزی بنا نمود، به گونه ای که در آن اعمال علاوه بر اجر و ثواب، بهره مادی نهاد چنانچه فرمودند: (مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَانَ مَا أَكَلَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَتِ الطَّيْرُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَلَا يَرْزُوهَ أَحَدٌ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ.) (بخاری، ۲۰۰۱، م، ۲/۲۳۳۵:۴۰۵)

همان طور که پیامبر (ص) به تحقق وجود خوراک و افزایش ثروت طبیعی با احیای اراضی موات و تملک برای کسی که آن را احیاء می کند، فقال علیه السلام: (من أحيا أرضاً ميتةً فهي له، وليس لعرق ظالم حق) (بخاری، ۲۰۰۱، م، ۲/۲۳۳۵:۴۰۵)

در مقابل هم پیامبر به کار کردن تشویق می نمود زیرا منبع اساسی برای اشباع نیازهای اساسی انسان به شمار می رود و می فرماید: (لأن يأخذ أحدكم حبله، فيأتي بحزمة الحطب على ظهره، فيبيعها، فيكف الله بها وجهه، خير له من أن يسأل الناس أعطوه أو منعوه) (بخاری، ۲۰۰۱، م، ۱/۱۴۷۱:۲۶۰)

بنابراین می توان گفت که تمامی تدابیر اقتصادی که پیامبر (ص) به عنوان تأمین کننده نیازهای اساسی افراد جامعه اسلامی چه مسلمان و غیر مسلمان بکار برده؛ همگی در چارچوب برآورده ساختن امنیت اقتصادی است همان گونه که بیت المال مسلمانان نقش مهمی در تأمین امنیت اقتصادی دولت مسلمانان داشته و همانند یک منبع ذخیره اقتصادی احتیاطی برای تمامی مسلمانان عمل می نمود و هر وقت مسلمانان در تنگنا یا نیاز یا فشار گرسنگی و بیماری می افتادند به سوی آن می شتافتند، بنابراین هر مسلمانی نیازش را در آنجا می یافت و حق خویش را از آن برداشت می نمود.

از جمله: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «حرمت مال مؤمن همچون حرمت خون اوست» و در حدیث دیگر فرمود: «همه چیز مؤمن محترم است، عرض، آبرو، مال و خون او».

همه این احادیث بر امنیت اقتصادی تاکید نموده و اعلام داشته که هیچ کس مجاز نیست به اموال و املاک افراد تجاوز کند و تعدی به حریم مالی دیگران ممنوع است؛ حتی اگر چیز ناچیزی باشد، بنابراین احترام و رعایت سرمایه های مشروع افراد (امنیت اقتصادی) ضروری است.

علاوه بر این، ادله دیگری نیز دلالت بر امنیت اقتصادی می‌کند به‌عنوان نمونه برخورد قاطع اسلام نسبت به سارق و دستور قطع دست او به‌علت حفظ و امنیت مالی و اقتصادی در جامعه است و یا مبارزه با ربا مفسدان اقتصادی برای جلوگیری از اخلال در نظام اقتصادی است.

اما در نگرش اسلامی، علاوه بر تعاریفی که از امنیت اقتصادی مطرح گردید در ساده‌ترین تعاریف، امنیت مزبور به این معنا است که مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف و با توجه به دیگر اخلاق پسندیده اسلامی، از آنان مالیات و زکات اخذ نماید. همچنین؛ احتکار کالا (به ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم) در میان نباشد و نیز در خرید و فروش‌ها قیمت‌ها متعادل باشد که در قرآن کریم امنیت اقتصادی به‌عنوان برآوردن ضروریات و نیازمندی‌های جامعه و تأمین راه‌های وسایل آن است تا اینکه زندگی آسوده و مستقری را در زمین فراهم شود.

حال با توجه به تمامی ادله قرآن و سنت و قول فقهاء بدین ترتیب می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی بوده و عبارت از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه، بطوریکه نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر ننموده و آرامش و آسایش آنها سلب نگردد. در همین راستا قانون اساسی ج.ا.ا هم دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است.

همان‌طور که در حال حاضر امنیت اقتصادی یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی است، کشورهای در حال توسعه جوامعی هستند که اولین و مهم‌ترین گام برای آنها دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارآیی منبع دسته یافته و آنگاه به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام توسعه یافته است برسند.

اما اگر نظام اقتصادی را یکی از ارکان نظام اسلامی در کنار نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... بدانیم امنیت اقتصادی شرط تحقق نظام اقتصادی است. مقصود از امنیت اقتصادی، ایجاد فضایی است که در آن سرمایه و سرمایه‌گذار، صنعت و صنعت‌گر، کار و کارگر و همه قشرها در برابر انواع فشارهایی که خارج

از کنترل است، حفاظت می‌شوند و در جهت کار و تلاشی که برای شکوفایی اقتصاد انجام می‌دهند، احساس اطمینان و آرامش داشته باشند.

امنیت اقتصادی ابعاد و مفهوم گسترده‌ای دارد که بر اساس دیدگاه‌های مختلف می‌توان به دو بعد مهم‌ترین شاخص توسعه نیافتگی آن اشاره نمود: الف) امنیت سرمایه‌گذاری

#### ب) امنیت اشتغال

که هر یک از دو بعد سابق دارای شاخص‌های متعددی است که برای شکل‌گیری آن‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (جهانیان، ۱۳۸۱، ۱۳)

بنابراین موضوع مال و امنیت آن که در اصطلاح امروزی امنیت اقتصادی است در تقسیم‌بندی مقاصد در مرتبه ضروریات واقع شده، چراکه بنا به تعریف ابن‌عاشور هر امتی چه فرد و مجموعه‌های برای بدست آوردن آن نیاز ضروری دارد، به‌نحوی که هیچ سیستمی بدون آن پایدار نیست و هر گونه اختلال در آن منجر به فساد و متلاشی شدن می‌گردد و ضروریات همگی در کالا و خدمات و چیزها و اعمالی است که برای محافظت از دین و نفس و عقل و نسل و مال لازم و بایسته است، زیرا هدف شارع از ایجاد این موارد پنج‌گانه نگه داشتن دین و نفس و عقل و نسل و مال آنهاست و در مرتبه قویترین مرتبه مصالح قرار دارند. (ابن‌عاشور، ۲۰۱۱، م ۷۹)

اما ضروریات در رابطه با امنیت اقتصادی در آنچه موجب پایداری و ماندگاری این موضوع می‌شود به‌نحوی که بدون آن بقائی نخواهد بود و مهمترین آن‌ها خوراک و پوشاک و مسکن است زیرا خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که بدون آن‌ها زندگی‌اش پایدار نمی‌ماند. (غزالی، ۲۰۰۹، م ۲۸۷/۱)

بنابراین ضروریات در هر آنچه به مصلحت‌بندگان در زندگی و آخرت باشد خواهد بود، به‌نحوی که نیافت و ناپدید شدن آن‌ها بدبختی کامل را به همراه دارد و خوشبختی در دنیا و در آخرت به همراه نخواهد داشت و دین را متلاشی می‌کند و فساد را بر اجسام و نسل‌ها را مقطوع می‌گرداند. (بدوی، ۲۰۰۷، م ۴۴۵)

اما در رابطه با منزلت مقصد بودن امنیت اقتصادی می‌توان با استناد به برخی از قواعدی که قبلاً ذکر گردید به جایگاه و اهمیت آن پی برد و چنین به نظر می‌رسد که بدء پیشوند امنیت جایگاه این مقصد را در یکی از مقاصد ضروری پنج‌گانه بگنجانند که همان مقصد حفظ امنیت است با اینکه به امنیت مقصود فقهاء در آن دوران، بعد اجتماعی و نظامی آن بوده و پیچیدگی مسائل اقتصادی در دنیای آن روز گسترده‌تری چندانی

نداشت؛ اما امروزه و در دنیای کاهش فرصت‌ها و رقابت فشرده، بعد اقتصادی بر سایر ابعاد دیگر غالب شده و به‌گونه‌ای تزلزل در آن موجب اختلال در دیگر ابعاد امنیت می‌شود، بنابراین به‌صورت خلاصه می‌توان بیان داشت این بُعد بسیار مهم چه برای حاکم از این نظر که به بهترین شکل و مناسب‌ترین شیوه در راستای بسترهای موجود در هر جامعه و چه برای محکوم از این لحاظ که نسبت به تدابیر اقتصادی حاکم در راستای تحقق هر چه بیشتر امنیت اقتصادی این مسئله بیش از گذشته اهمیت چندانی به خود می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت که مبحث امنیت اقتصادی که اصلی‌ترین بخش آن مقصد است و بدون آن مقصد عمران و آبادانی زمین مختل می‌گردد و در واقع ضامن و اعتدال بخش این قسم از ساختار مدیریتی در جامعه است.

### نتیجه‌گیری

شکی نیست که هر آنچه مقصد امنیت و جنبه اقتصادی و ساختار آن را تهدید نماید خطرناک بوده از این جهت که زیرساخت‌های ضروری زندگی چون خوراک پوشاک و مسکن ضربه وارد می‌کند و در نتیجه آن به گرسنگی و ترس و هرج‌ومرج رایج منتهی می‌شود و جامعه‌ای ناهنجار و بدون استقرار را در پی خواهد داشت، چنین برمی‌آید که جامعه و افراد در تأمین و تحقیق آن وظیفه سنگینی را بر دوش خواهند داشت، اما برای تأمین آن می‌بایست عوامل تعیین‌کننده در سه حوزه کلان، میانی، خرد کاملاً اجرا و یا تا اندازه زیادی در تحدید شاخص‌های امنیتی موفق آمیز بوده باشد و از طرفی هم فقهاء اسلام بر فراوانی ضروریاتی چون خوراک برای هر فرد جامعه تاکید نموده‌اند، گرچه حرام باشد؛ تا زمانیکه که درهای کسب حلال بر مردم بسته شده است، در حالیکه پدیده‌های و مشکلات فراوانی در بسیاری از مناطق به‌گونه‌ای است که مردم پس از عدم استقرار شغلی و نبود منابع مالی برای تأمین درآمدهای زندگی ناچاراً به آن‌ها روی آورده‌اند و گاهی فشارهای زندگی و دربه‌دری‌های سالیان متوالی در شهرهای ایران بخاطر عدم استقرار پروژه‌های اقتصادی، مردم این مناطق را چنان خسته نموده که اندک درآمد حاصله از پدیده‌های همچون کولبری و قاچاق کالاهای مصرفی مردم از مرزها را به شرط بودن در کنار خانواده و ایفای جایگاه پدری پس از سالیان متمادی و یا جایگاه فرزندی را برای پدر و مادر پیر و خسته از دوری فرزندان را کفایت می‌نماید، اگر در آنسو مقصد ضروری امنیت است در این سو هم مقاصد دیگری چون حفظ آبرو در مقابل قرار می‌گیرد و با اینکه که مصالح عام مقدم بر مصالح خاص‌اند اما گاهی این مصلحت عام ممکن

است مرتبه حاجی و یا تحسینی را برای مقصد امنیت اقتصادی داشته باشد در حالیکه مقصد خاص چنین اقشار بی درآمد در جامعه در برخی از آنها از آبرو گذشته و به حفظ جان هم می رسد!

بنابراین می بایست به موضوع پدیده‌های رویاروی امنیت اقتصادی در برخی از مناطق کشور با دید گسترده تری که براساس احکام وسیع و معطوفانه تشریح اسلامی است نگریست، زیرا در وضعیت فعلی کشور ما و با وجود تحریم اقتصادی و رقابت بسیار فشرده بازارهای جهانی در عرصه تولید و توزیع و کیفیت و همچنین درآمد ناتوان اقتصادی مردم، ماهیت این احکام شکل دیگری به خود خواهند گرفت و قانونگذار می بایست به تفکیک بندی در رابطه با درجه بندی بپردازد تا اینکه تکامل امنیت اقتصادی با وضعیت کسب و کار مردم به شکلی متوازن در حرکت باشد و دولت با بررسی های دقیق و پژوهشی دسته بندی ضروری و حاجی و تحسینی را در اختلال به امنیت اقتصادی تفکیک کند که در مرتبه حاجی یا تحسینی در اختلال امنیت اقتصادی قرار گرفت مانع از مقصد ضروری خاص افرادی در جهت کسب نگردد چراکه ضروری مقدم بر حاجی و حاجی مقدم بر تحسینی است.

#### منابع

۱. إبراهيم بن موسى الشاطبي. (۱۹۹۷ م). الموافقات، دار ابن عفان، ط ۱.
۲. ابوالحامد الغزالي. (۱۹۹۳ م). المستصفی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ط ۱.
۳. الاصفهانی الراغب. (۱۹۹۱ م). المفردات فی غریب القرآن، دار القلم، دمشق، ط ۱.
۴. الأمير الکبیر محمد (د ت)، الإکلیل، شرح مختصر خلیل، مکتبۃ القاهرة.
۵. البخاری محمد. (۱۹۹۲ م). صحیح البخاری، دار طوق النجاء للطباعة والنشر والتوزیع، القاهرة، ط ۱.
۶. البخاری محمد. (۱۹۹۷ م). صحیح الادب المفرد للإمام البخاری، دار الصدیق للنشر والتوزیع: بیروت، ط ۴.
۷. البدوی یوسف. (۲۰۰۷ م). مقاصد الشریعة عند ابن تیمیة، دار النفائس للنشر والتوزیع، عمان، ط ۱.
۸. الجرجانی علی. (۱۹۸۳ م). کتاب التعریفات، دار الکتب العلمیة: بیروت.
۹. الجندی عبدالوهاب. (۲۰۰۸ م). أهمیة المقاصد فی الشریعة الاسلامیة و أثرها فی فهم النص و استنباط الحكم، مؤسسه الرسالة ناشرون، بیروت، ط ۱.



جهانیان، ناصر. (۱۳۸۱ ه). امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر چاپ اول.  
الجوينی، أبو المعالی (۱۹۸۷ م)، الاجتهاد، دار القلم، دمشق، ط ۱.  
چینی حبیب. (۱۳۸۰ ه). فرصت ها امکانات محدودیت ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی، نشریه:  
ابرار اقتصادی.

حماد نزیه. (۲۰۰۸ م). معجم المصطلحات المالية والاقتصادية فی لغة الفقهاء، دار القلم: دمشق، ط ۱.  
حمد بن فارس. (۱۹۷۹ م). معجم مقاییس اللغة، دار الفكر، بیروت، ج ۶.  
الخادمی نورالدین (۲۰۰۳ م). المقاصد الشریعة، دار شبلیا للنشر والتوزیع، الرياض.  
الخادمی نورالدین. (۱۹۹۸ م). الاجتهاد المقاصدی، وزارة الاوقاف و نالشرون الاسلامیة، قطر، ط ۱.  
الریسونی احمد. (۱۹۹۲ م). نظریة المقاصد عند الامام الشاطبی، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر  
والتوزیع، بیروت.

الزحیلی وهبة. (۱۹۸۵ م). اصول الفقه الاسلامی، دار الفكر، دمشق، ط ۱.  
سليمان بن الأشعث السجستاني [أبوداود] (۲۰۱۰ م)، سنن أبوداود، المحقق: محمد محبی الدین عبد الحمید،  
المکتبة العصرية، بیروت.

شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی [ابن حجر] (۲۰۰۱ م)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الأوقاف  
السعودیة، ۱۴ ج.

شهزاد برومند. (۱۳۸۷ ه). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب، مجلس شورای اسلامی، مرکز  
پژوهش ها، تهران.

عبد الباقي محمد فؤاد (۱۹۴۴ م)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریة: القاهرة.

عبدالرحمن السعدی. (۲۰۰۱ م). تیسیر الکریم الرحمن، دار ابن الجوزی: القاهرة، ط ۱.  
عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام. (۱۹۹۶ م). الفوائد فی اختصار المقاصد، دار الفكر المعاصر، بیروت، ط  
۱.

علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی. (۲۰۰۳ م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دار الکتب  
العلمیة: بیروت، ط ۲.

علی بن أحمد بن سعید [ابن حزم] (د ت)، المحلی بالآثار، دار الفكر، بیروت، ۱۲ ج، دط.

الفاسی علال. (۱۹۹۱ م). مقاصد الشریعة و مکارمها، مؤسسه علال الفاسی، ط ۴.

الفراهیدی خليل. (٢٠٠٣ م). كتاب العين، دار الكتب العلمية للنشر والتوزيع، بيروت.  
الفنجرى محمد شوقى (١٩٨٤ م). الإسلام وعدالة التوزيع، دار ثقيف للنشر والتأليف: الرياض.  
الفيروزآبادى يعقوب. (٢٠٠٥ م). القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت: لبنان،

ط ٨.

الفيومى احمد. (١٩٨٧ م). المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، مكتبة لبنان، بيروت.  
القضاة معن. (١٩٩٦ م). منهج الأمن الاقتصادي فى القرآن الكريم، رسالة الماجستير، جامعة اليرموك، كلية  
الشرعية.

قناعى جمشيد. (١٣٨٩ هـ). امنیت اقتصادی، فصلنامه تحلیلی پژوهشی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز،  
شماره ١٢.

الكبيسى بشير. (٢٠٠٨ م). المقاصد الشرعية و كيفية التعامل معها عند التعارض، مجلة كلية الامام الاعظم،  
العدد الثانى، السنة الثانية.

المبارك بن محمد الجزرى [ابن الأثير] (١٩٧٩ م)، النهاية فى غريب الحديث والأثر، المكتبة العلمية: بيروت.  
مجمع اللغة العربية. (٢٠٠٤ م). المعجم الوسيط، مكتبة الشروق الدولية، ط ٤.

محمد الطاهر ابن عاشور. (١٩٨٤ م). التحرير والتنوير، الدار التونسية للنشر: تونس، ط ١.

محمد الطاهر ابن عاشور. (٢٠١١ م). مقاصد الشريعة، دار الفائس، الأردن، ٢ م.

محمد بن ابى بكر دمشقى [ابن قيم] (١٩٩١ م)، إعلام الموقعين عن رب العالمين، دار الكتب العلمية -  
بيروت، ٤ ج، ط ١.

محمد بن عيسى السلمى الترمذى (١٩٩٨ م). جامع الكبير، دار الغرب الإسلامى: بيروت، ٦ ج.

محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى أبو عبد الله [ابن ماجه] (٢٠٠٩ م)، سنن ابن ماجه، المحقق: محمد فؤاد  
عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية، القاهرة.

محمد بن مكرم بن على أبو الفضل جمال الدين [ابن منظور] (١٩٩٣ م) لسان العرب، دار صادر، بيروت، ط  
٣.

محمد بن احمد السرخسى. (١٩٩٣ م). المبسوط، دار المعرفة: بيروت.

محمد بن ادريس الشافعى. (١٩٩٠ م). الأم، دار المعرفة: بيروت.

محمدعلی بن علیالتهانوی.(۱۹۹۶ م). موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، مکتبه لبنان، ط ۱، ج ۲۰.

محمود بن عمرالزمخشری.(۱۹۸۳ م). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت.  
الیوبی محمد.(۱۹۹۸ م). مقاصد الشریعة الاسلامیة و علاقتها بالأدلة الشرعیة، دار الهجرة للنشر و التوزیع،  
الریاض، ط ۱.

یوسف حامد العالم.(۱۹۹۳ م). المقاصد العامه للشریعة الاسلامیة، المعهد العالی للفکر الاسلامی، الریاض،  
ط ۱.

